



بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

لزوم تفکر و تأمل در مفاهیم اعمال شب های قدر



آیت الله

سید

علی

فاطمی

نیا

بیانات

در

شب

های

قدر

در

مفاهیم

اعمال

شب

های

قدر

در

مفاهیم

اعمال

شب

های

قدر

در

مفاهیم

اعمال

شب

های

قدر

در

مفاهیم

اعمال

شب

های

قدر

در

مفاهیم

اعمال

شب

های

قدر

در

مفاهیم

اعمال

شب

های

قدر

در

مفاهیم

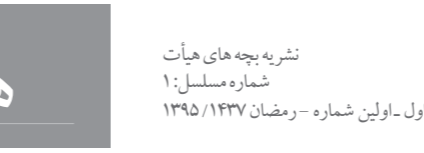
اعمال

شب

های

قدر

در



نشره بیجه های هیأت شماره مسلسل: ۱
رمضان ۱۳۹۵/۱۳۹۵

سال اول -دواین شماره - رمضان ۱۳۹۵/۱۳۹۵

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

بیانات آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا



لزوم پرهیز از خرافه گرایی در مداخلی

بیانات مقام معظم رهبری در حضور مداخلان

سال۱۳۹۴

پرهیز از انحراف، خرافه گرایی و مشکل تراشی

در عقاید جوان‌ها

گاهی ما کلمه‌ای را می‌گوییم و یک گره در ذهن

جوان مخاطب به وجود می‌آید. این گره ها را چه

کسی می‌خواهد باز کند؟ این گره‌ها را که ما با بیان

ناقص خودمان یا بیان غلط خودمان یا بی توجهی

و بی مسئولیتی خودمان در ذهن این جوان‌ها بوجود

می‌آوریم، عقیده او را دچار مشکل می‌کنیم. این گره

چگونه باز خواهد شد؟ این‌ها مسئولیت است. اینکه ما

مجلس عزاداری و مدح سید الشهدا را (که عظمت او

به خاطر شهادت است، عظمت او به خاطر فداکاری در

راه خدا است، عظمت او به خاطر گذشت است، گذشت

از همه چیز از همه خواسته‌ها، از همه مطالبه‌ها) به

خاطر چنین مجلسی ما مجلس را تبدیل کنیم به یک

مجلس سبک، به جایی که تعدادی جوان لغت شوند

و بالا و پایین بپرند ومانند که چه می‌کنند.آیا این کار

درست است؟ این شکر این نعمت است؟ نعمتی که خدا

به شما داده است. این صدای خوش نعمت است. این

توانایی ااره مجلس نعمت است...نابراین من جامعه

مداح را از ته دل دوست می‌دارم ، برایتان دعا می‌کنم.

خداوند آن شاله، به شماها توفیق بدهد و کمک کند. ما

این را هم عرض می‌کنم که انتظارات از جامعه مداح ،

امروز و در جامعه ایرانی در یک نگاه منطقی، انتظار

بالایی است.

مداحان کتاب مدح فضیلت را در دست دارند

در طول تاریخ کسانی بودند که مستمران و ظالمان

کرد؟«هرانجام به خود گفتم درست است که درباختن به

چنین کار در توان تو نیست.اما ما خود مگر که بضاعت

هم هستند. امروز هم در دنیا کسانی هستند که زبان

می‌کشایند به مدح پلید ترین انسان‌های عالم یا قلم

شان را با مزه، مدحی کنیف و پلید در این راه به قلم

می‌برند. شما بر عکس، زنگان، نغفنان، حنجره‌تان و

قدرت شرفتان در خدمت مدح فضیلت است. خاندان

پیغمبر خاندان فضیلت اند، سر تا پا فضیلت...شما در

واقع با مدح فضیلت خاندان پیغمبر، مدح خودتان راهم

می‌کنید. شرافت این شغل را در واقع نشان می‌دهید.

شما کتاب مدح فضیلت را در دست دارید و این شرافت

بزرگی است. خوش به حال شما. قدر این حرفه را

بدانید.

لزوم مختمن شمردن حضور در جمعیت‌های بزرگ

در مجالس مداحی

امروز جامعه مداح کشور فرصت بسیار بزرگی را

در اختیار دارد. شما مجالسی تشکیل می‌دهید یا

جمعیت‌های بزرگ، گاهی جمعیت‌های چند هزار نفری

پای منبر شما و پای مدیحه سرایی و مرثیه خوانی شما

جمع می‌شوند. غالباً نیز جوان‌ها هستند. از این فرصت

بهبتر؟ این همه مخاطب، این همه دل آماده شنیدن و

توسپیدن، این همه نفوس آماده تربیت شدن، این‌ها در

اختیار شما هستند. این فرصت‌ها را مختمن شمارید و

بهترین استفاده را بکنید.

لزوم استفاده از فرصت مداحی برای ترویج معارف دینی

بهترین استفاده از این فرصت چیست؟ تبلیغ معارف

دین، تبلیغ همان چیزی که این بزرگواران این

نشانه‌های عظمت و فضیلت برای خاطر آن جان خود

را کف دست گرفتند و این همه رنج بردند. این همه

مصیبت کشیدند. حادثه عاشورا آورد آمد. این‌ها برای

چه بود؟ برای ترویج معارف دین بود. از این فرصت برای

ترویج معارف دین، برای سوق دادن نسل جوان به عمل

به دین، به عمل به تعبد، به عمل به مسئولیت‌های

بزرگ این دوران استفاده کنید. امروز کشور ما ملت ما

و دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل

کردن و ایستادگی کردن است. ملت ایران الگو است.

در میان ملت، جوانان موتور حرکت اند و این جوانان در

اختیار شما هستند. در واقع موتور حرکت دنیای اسلام

کند است. یک مدعنا، زیر کلید شمامت، معارف دین را تبلیغ

کنید. آنچه را که این جوان‌ها احتیاج دارند، برای پاک

بودن، برای پاک زیستن، برای سبک زندگی اسلامی،

برای مسلمان شدن به معنای واقعی کلمه، برای عاقبت

به سعرت، این را به جوانان یاد بدهید. این در اختیار

شماست... این همه مجلس، این همه گوینده، این همه

خواندن، این همه شاعر، این همه صدای خوش، از این

فرصت‌ها استفاده کنید.



معرفی کتاب

دردنگ

چه خوب است در ماه مبارک رمضان به جای انلاف وقت

در مطالب بی محتوا و گاهی مفید ولی زودگذر تسبیحه

های اجتماعی به مطالعه ی کتابهای مستدل و ماندگار

بپردازیم و بر علم و ایمان خود بفرماییم. به مناسبت شب

های قدر در این قسمت کتاب هایی در باره ی زندگانی

امیرمومنان علی علیه السلام پیشنهاد می‌شود. شاید

ولسی کتابهای زیادی در این باره مطالعه کرده باشید

قران ناطق و وحی مجسم حضرت امیرالمومنین علی

علیه السلام است.

«علی از زبان علی»

زمانی مطالعه ی یک زندگی‌نامه جذابتر و به واقعیت

نزدیکتر است. که از زبان خود شخص باشد، دکتر

جعفر شهیدی نویسنده ی این کتاب در مقدمه چنین

می‌نویسد: ماهیها و می‌توان گفت، سه سالیامت می‌خواهم

قلم بردارم و صفحه‌هایی پیرامون زندگانی امیر مؤمنان

علی (ع) بنگارم. هر بار که خود را آماده میکنم ، ندایم

از درونم میشنوم: «هسته پاش آنچه گستاخی‌میخواهی

در این میدان پهنشوار درایی و بضاعت اندک خود را

بنمایم؟»مدیهای مهتاب به گز میوهون است و دریا را با

مشت تهی نمودن.در میا که عرصه سیرغم نه گولانگه

تو است...» از خود بپوش می‌خواهم و قلم را به یک سو

مینهم.دیری نمیگذرد که دیگر بار بوق عنانم بکسلاند و

بی‌خاستن من ، ممر میرواند ، که آخر از مورچه و ران ملخ

و بیشگاه سلیمان یادگیر مگر نمی‌دانی در آستانه بزرگان

از هر کس به اندازه توان او چشم می‌بارند؟«خدایا!باید

کرد؟»هرانجام به خود گفتم درست است که درباختن به

چنین کار در توان تو نیست.اما ما خود مگر که بضاعت

هم هستند. امروز هم در دنیا کسانی هستند که زبان

می‌کشایند به مدح پلید ترین انسان‌های عالم یا قلم

شان را با مزه، مدحی کنیف و پلید در این راه به یک سو

می‌برند. شما بر عکس، زنگان، نغفنان، حنجره‌تان و

قدرت شرفتان در خدمت مدح فضیلت است. خاندان

پیغمبر خاندان فضیلت اند، سر تا پا فضیلت...شما در

واقع با مدح فضیلت خاندان پیغمبر، مدح خودتان راهم

می‌کنید. شرافت این شغل را در واقع نشان می‌دهید.

شما کتاب مدح فضیلت را در دست دارید و این شرافت

بزرگی است. خوش به حال شما. قدر این حرفه را

بدانید.

لزوم مختمن شمردن حضور در جمعیت‌های بزرگ

در مجالس مداحی

امروز جامعه مداح کشور فرصت بسیار بزرگی را

در اختیار دارد. شما مجالسی تشکیل می‌دهید یا

جمعیت‌های بزرگ، گاهی جمعیت‌های چند



شهادای هیئتی

گفتگوی هیئت امروز با هم‌رزم شهید شهاب الدین خالصی

در دل کوه ویا آنها شبی را گذارندیم. و دیگر دیدارهایمان در دعای سمات روزهای جمعه در حسینیه دارالشفاء حضرت زهرا (س) از ساعت ۳ بعد از ظهر تا یکساعت به اذان مغرب که دعا شروع میشد می نشستیم و به سخنرانی آیت الله مظاهری که از طریق سیستم صوتی توسط ضبط سوت پخش میشد گوش می دادیم و بعد زیارت عاشورای حاج منصور ارضی و کلی گریه میکردیم. تازه آماده میشدیم برای قرائت دعای سمات توسط حاج بهزاد لریستانی و حاج علی نظری و حاج اکبر پروینی و شهاب خالصی. روضه ها بخاطر عشق و علاقه شهاب بسوی روضه مادر سادات کشیده میشد و جلسه از شدت تله و گریه شهاب و دیگر بچه ها حال و هوایی خاص بخود می گرفت. کلی سینه زنی میکردیم. بعد برای نماز جماعت می رفتیم مسجدنواب. یادش بخیر.

یک روز می خواستیم بروم خانه و ماشین سواری و تاکسی خیلی کم رفت و آمد داشت. شهاب موتوری تحویل گرفته بود و بنزین موتور را خودش با هزینه خودش برمی کرد و اجازه گرفته بود که مواردی را انجام دهد. من را ترک موتور کرد و تا آبادانی و مسکن برترک موتور و محکم کمرش را گرفته بودم و حرف می زدیم و مرتب او را با لطفه ای می خنداندم. کلی حرف زدیم و ندانستم چطور می منزل رسیدم. خاطره ای یادم آمد باجمعی از رزمندگان در جنوب رفته بودند جلسه ای همین جوری و قرآن میخواندند و یادم نیست شهید قرائت زیبایی کرده بود یا یکی دیگه از بچه ها و در این هنگام یکی از میزبانان میگوید خوبه تشویقش کنیم. منظورش به سبک و سبکی قاریان مصری که میگویند: احسنت ماشاءالله والله اکبر و... یکدفعه تعدادی از رزمنده ها که آشنایی با اینگونه مجالس و تشویقها نداشتند شروع می کنند به کف زدن مرتب!!! حالا همه مرده بودند از خنده و به سرعت بیرون آمدند. خلاصه دیگه در جلسات قرآن آن زمان که تعدادش زیاد بود و همه می رفتند بعد از خواندن برادری من به شوخی یواش می گفتم شهاب تشویقش بکنیم؟ و شهاب با خجالت و شرم و حیایایی که داشت ریزخنده ای میکرد و سرش را پایین می انداخت.

خواهر شهید «شهاب خالصی» بیان کرد: شهاب با آغاز جنگ تحصیلی در حالی که ۱۴ ساله بود، در خواب دید که به زیارت امام حسین (ع) رفته است؛ این خواب را برای مادرش تعریف کرد و مادر هم گفت «خب به کربلا می‌روی» اما شهاب اینگونه تعبیر کرد که باید به جبهه برود؛ برای اعزام به جبهه اقدام کرد، سن او کم بود و نمی‌پذیرفتند اما پس از اصرار و پیگیری در مصاحبه با بسیج پذیرفته شد که بسیار خوشحال به منزل مان آمد و گفت: «مرا قبول کردند»

بود که برق از سرم پرید و محو جمال و کمالتش شدم و همان جا مهر و محبتش بدلم رسوخ کرد. خدای دوتایی بهم میامدن هردوخوش سیما و نورانی بودن. من که مست شده بودم و سیراب از دیدن و شنیدن حرفهای که با یک وقار خاصی بیان میکرد، نشده بودم، سرشوخ و لطفی گویی را باز کردم و کلی آنها را خنداندم. ساعتی گذشت و رفتند و من طاقت دوریشان را نداشتم، نمی دانم چطور غروب شد و خودم را رساندم مسجدنواب، چون رزمندگان همه درمخصوصی ها درمسجد نواب برای نماز جماعت و دیدن دوستان می آمدند. بله دوباره شهید و دیگر



رزمندگانی که بواسطه شجره طیبه بسیج باهم دوست شده بودند و با هم به مساجد و حسینیه ها می رفتند را دیدم و هر کدام بویی و جمالی نورانی داشتند، مثل شهید سید محسن کشتی، شهید احمد سالمیان، شهید عموحسین اجاقی، شهید زراعی و عزیزانی که بعدا شهید یا اسیر ویا جانباز شدند. هرکدام از دیگری عزیزتر و حیاط مسجد چه باصفا شده بود و همه درحلقه هایی جداگانه مشغول صحبت وحوالهرسی بودند. با آمدن آیت الله نجومی (ره) همه پشت سرایشان برای اقامه نماز داخل حسینستان مسجد جمع شدیم. من در میان داداشام سهراب و شهاب قرارگرفتم و کلی خوشحال بودم. چه نمازی بود و هوا هوای جبهه و صفا و صمیمیت موج میزد. خلاصه گذشت تا باقیمت طاق شد و دلم هوای بچه های مسجد وجبهه را نمود. گفتند می خواهیم برویم سری بزینم ببینیم چه کسی می آید؟ گفتن منم می آیم. با تویوتای پانکی و میگ زمینی (لقبی که برای تویوتا های قدیمی و جدید توسط رزمنده ها داده شده بود) رفتیم تنگه کارخانه سیمان

خاطره ای از خادم الحسین حاج بهروز لریستانی

اولین بار سال ۶۱ همراه برادرم سهراب که تازه به عضویت بسیج در آمده بود دیدمش، لبخندی برچهره ی آرام و صمیمیش زود مرا مجذوب خودش کرد. بعد از رفتن شهاب گویا چیزی را گم کرده باشی بی تاب شدم و دلم از رفتن شهاب تنگ شد.

غروب همون روز که برای اقامه نماز به مسجد نواب رفتم، دوباره شهاب را با شهیدان کشتی، اجاقی و زارعی دیدم که گرم صحبت کردن بودن، با ورود مرحوم آیت اله سید مرتضی نجومی همگی جهت برپایی نماز وارد حسینستان شدیم و من بین برادرم و شهاب ایستادم. فضای در و دیوار مسجد پر شده بود از عطر شهدا و عطر جبهه ها، شهاب مانند خیلی از شهدا به نماز اول وقت اهمیت می داد و همیشه قبل از نماز در مسجد حضور داشت بسیار متواضع و خاکی بود و هنگام ورود به مسجد به نظافت مسجد و یا قرائت قرآن مشغول می شد.

جمعه ها غروب یک ساعت مانده به اذان در حسینیه دارالشفاء حضرت زهرا سلام الله علیها برنامه قرائت دعای سمات و توسل به اهل بیت داشتیم، دعا را معمولا یکی از ذاکران حاج علی نظری، حاج بهزاد لریستانی، حاج علی اکبر پروینی یا شهید شهاب می خواند و روضه ی شهاب به خاطر علاقه ی عجیب به خانم حضرت زهرا سلام الله علیها اکثر اوقات به روضه ی مادر ختم می شد. عجب حال و هوایی داشت روضه های شهاب! پر از اشک و ناله بود واقعا. روزهای قشنگی بود. شاید به همین دلیل و ارادت خاص به خانوم حضرت زهرا سلام الله علیها بود که پیکر مطهرش بعد از شهادت در منطقه ی شلمچه در عملیات کربلای ۵ حدود ۳ ماه بی نام و نشان بود و کسی از او خبر نداشت. شهاب به دلیل جراحات و ترکش های زیادی که خورده بود به مرد آهنی معروف بود. کم حرف، ذاکری با اخلاق که اخلاق را اولین گام در مداحی می شمرد، عارفی شب زنده دار، تخریبچی هوای نفس، اهل عمل و ولایت مدار بود و با آن سن کمی که داشت درس های بزرگی برای نسل بعد به جای گذاشت. روحش شاد ان شالله که رهرو راهش باشیم.

سلام اولین بار که شهید والامقام شهاب الدین خالصی را دیدم سال ۱۳۶۱ بود که درمحل کارم، ساختمان چند طبقه الفتی که الان سیاه در آنجا مستقر است. روبروی اداره کل ارشاد اسلامی و سینما آزادی قرار دارد.

داشتم درطبقه ششم به امورات دبیرخانه رسیدگی میکردم که یکدفعه برادر کوچکم سهراب که تازه به افتخارعضویت بسیج درآمده بود را دیدم ونوجوانی نورانی وخوش سیما وبالبخندی برلب که هیچگاه فراموشش نمیکنم ،همراهش

شعر

سایات
نوجوان

مولا علی شب که می شد

غذا و خرما برمی داشت

می برد واسه گرسنه ها

اون ها رو تنها می داشت

با یتیم بازی می کرد

دست رو سراسون می کشید

میگفت به مردم همیشه

با اون ها مهربون باشید

شاعر: نجمه سادات هاشمی

چیستان

آ آن چیست که خلق نشده ولی وجود دارد؟

آ آن چیست که همه می بینند ولی خدا نمی بیند؟

آ آن چیست که خدا ندارد؟

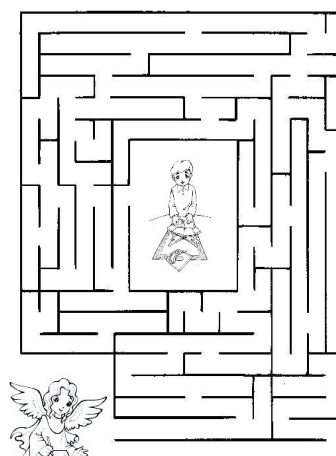
آ کدام پیامبر خیاطی می کرد؟

آ کدام سوره اگر یک حرفش بیفتد به معنی بیابان و برهوت می شود؟

آ کدام سوره اگر یک حرفش بیفتد به معنی بیابان و برهوت می شود؟

جواب: خدا-خواب-شریک-ادریس-تکویر - کویر

بازی



فرشته را درمیان کن تا بار، تو با قرآن خواندن قاصد را نوبسه
 busannooz Bloga.com



مراسم احیا در هیئت مسلم این عقیل



احیا با شهدا



سیل جمعیت شب زنده دار در مسجد جامع



احیای کودکانه - مسجد المهدی